

## پست مدرنیسم چونان بن بست پژوهش های جدید در علوم انسانی

مهدی نصر

استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور mehdi.nasr3000@yahoo.com

## چکیده

اصطلاح پست مدرنیسم از واژه هایی است که در علوم انسانی کاربرد زیادی پیدا کرده است. کاربرد زیاد این واژه از سویی روش شناسی های عقیم و بی کاربردی را در علوم انسانی رواج داده و از سوی دیگر به نوعی ذهنیت نسبی گرایانه هم در بعد معرفتی و هم در بعد اخلاقی آن انجامیده است. این مقاله درصدد نشان دادن این امر است که گرایش هایی از فلسفه علم که منادی نسبی گرایی بوده اند، در درک خود از جهان دچار اشتباهاتی منطقی و بی معنا شده اند. تاثیر این مغالطات در علوم انسانی بیش از هر جای دیگر بوده است. اصحاب علوم انسانی وقتی از روش های پوزیتیویستی ناامید شدند به طور کلی دور روش های علمی را خط کشیدند و به ورطه نسبی گرایی فروغلطیدند. غایت این مسیر چیزی به غیر از بی تفاوتی نسبت به مسائل مهم جهان و علوم اجتماعی نبوده است، به نحوی که بسیاری از دانشمندان علوم انسانی اینقدر غرق در تئوری های دهان پرکن هستند که از امور عینی جامعه و جهان غافل شده اند.

واژه های کلیدی: پست مدرنیسم، نسبی گرایی معرفتی، نسبی گرایی اخلاق، علوم انسانی

## ۱. مقدمه

ساده انگاری اندیشه های پوزیتیویستی و عدم کاربرد آنها در زمینه بسیاری از مسائل علوم اجتماعی برخی از متفکرین این عرصه را به سوی گرایشات نسبی گرایانه سوق داده است. آنها پیش از این به دنبال ابزار تجربی و ریاضیاتی مشخص و دقیقی بودند که علوم دقیقه از آنها برخوردارند. ولی معلوم بود که هیچ گاه چنین قطعیتی را نمی یابند. این سرخوردگی، به جای تغییر و اصلاح متدهای پوزیتیویستی، باعث شد تا بخش های وسیعی از علوم انسانی و علوم اجتماعی، فلسفه ی به اصطلاح «پست مدرنیسم» را برگزینند؛ جریانی فکری که مشخصه آن طرد کم و بیش صریح سنت عقل گرایانه عصر روشنگری، جدایی گفتمان های نظری از هر آزمون تجربی و نوعی نسبییت گرایی شناختی و فرهنگی است که علم را چیزی جز نوعی «روایت»، «اسطوره» یا نوعی برساخته اجتماعی نمی داند. جالب اینجاست که متفکرین پست مدرن بدون اقامه مختصرترین دلیل عقلانی یا تجربی، مفاهیمی از علوم طبیعی که حکایت از عدم قطعیت در برخی از حوزه های این علوم دارد را وارد علوم انسانی یا علوم اجتماعی می کنند. تعدادی از این متفکرین از فلسفه علم معاصر که در پی فروریختن